



کوروش بزرگ (کوروش شناسی)

ناگفته‌هایی پیرامون کوروش بزرگ

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۶ شهریور ۱۳۹۲ / ۶ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

کوروش بزرگ وقتی که بی‌جنگ و جدال وارد بابل شدم، همه مردم قدوم مرا با شادمانی پذیرفتند. در قصر پادشاهان بابل بر سریر سلطنت نشستم... لشکر بزرگ من به آرامی وارد بابل شد. نگذاشتم صدمه و آزاری به مردم این شهر و این سرزمین وارد آید. وضع بابل و مکانهای مقدس آن، قلب مرا تکان داد. فرمان دادم که همه مردم در پرستش خدایان خود آزاد باشند و بی‌دینان آنان را نیازارند. فرمان دادم که هیچ‌یک از خانه‌های مردم خراب نشود. فرمان دادم که هیچ‌کس اهالی شهر را از هستی ساقط نکند... صلح و آرامش را به تمامی مردم اعطا کردم. {کو}



کوروش بزرگ

وقتی که بی‌جنگ و جدال وارد بابل شدم، همه مردم قدوم مرا با شادمانی پذیرفتند.

در قصر پادشاهان بابل بر سریر سلطنت نشستم... لشکر بزرگ من به آرامی وارد بابل شد. نگذاشتم صدمه و آزاری به مردم این شهر و این سرزمین وارد آید. وضع بابل و مکانهای مقدس آن، قلب مرا تکان داد. فرمان دادم که همه مردم در پرستش خدایان خود آزاد باشند و بی‌دینان آنان را نیازارند. فرمان دادم که هیچیک از خانه‌های مردم خراب نشود. فرمان دادم که هیچکس اهالی شهر را از هستی ساقط نکند... صلح و آرامش را به تمامی مردم اعطا کردم. {کوروش بزرگ: گل نبشته (استوانه) بابل}

...

هنوز درباره ابرمرد تاریخ ایران و جهان، پدر ملتها، مسیح تورات و ذوالقرنین قرآن، سخنان نهفته، بسیار می‌باشد. در اینجا فهرست‌وار به نکته‌هایی اشاره می‌کنم که چندان به بررسی کشیده نشده است:

۱. یکی از بهترین آگاهی‌ها درباره آیین و جهانبینی کوروش بزرگ، پیکره ایشان در پارسه می‌باشد. در سده‌های پیش بر فراز تندیس، به خط میخی نام کوروش را نگاشته بودند که اینک در دسترس نیست و از پیکره، کنده شده است. این آگاهی را وامدار کسانی چون مادام دیولافوا هستیم که در سفر خود به ایران، تندیس شاهنشاه هخامنشی را نقاشی کرد. برخی از نویسندگان بدون توجه به این نکته، تندیس یادشده را «فرشته بالدار» می‌خوانند. مایه نگرانی و افسوس است که نگاره‌هایی از کوروش بزرگ رواج یافته که بر سر ایشان، کلاهی مانند کلاهخود موتورسواران نهاده‌اند و یک ستاره که مانند آرم و نماد آمریکاست، در بغل این کلاه ساختگی، خودنمایی میکند.

۲. گیسوان شقیقه را بلند میکردند و پس از بافتن، به گونه‌ای در بناگوش می‌پیچاندند و گرد می‌کردند که بسان شاخ قوچ میشد. آن ستاره‌ای که شما می‌بینید در واقع موهای بافته شده بود! این رسم مغانه را امروزه در میان خاخامهای یهودی میتوان دید که موهای شقیقه را دراز میکنند و میافند و البته نمی‌پیچند.

۳. در دست راست شاهنشاه چوبدست شاهی (اشترای جمشید) به چشم می‌خورد که امروزه محو شده است. همانند آن در نگاره‌های زرتشت می‌باشد و شاید هم برسم (شاخه مقدس) بوده است.

۴. دیهیم شاهان یا سرداران بر چندگونه بود. افسر کورش هخامنشی برگرفته از آیینی مغانه می‌باشد که در مصر نیز راه یافته بود و نمونه‌ای از آن به جای مانده است. [بنگرید به کتاب: سکندر و دارا/ استاد بهروز]. زیرسازه افسر شاهنشاه کورش، شاخهای قوچ است که هرکدام به سوی مخالف دیگری کشیده شده و همسو نیستند. در انجیل، قوچ: نشانه خدایی، و بز: نشانه اهریمنی است. در تورات (پیشگوییهای دانیال) پادشاهی کورش به گونه قوچ، و الکساندر مقدونی به چهره بز نموده شده‌اند. در بنایی ویران، نزدیک به آرامگاه کورش بزرگ، که آن را آتشکده میدانند، روی برخی سنگها نقش شاخ قوچ دیده میشود. در زبان انگلیسی، تاج را کرون crown مینامند که همان «قرن» در کلمه ذوالقرنین (دارای تاج شاخدار) می‌باشد. از ژاپن تا اسکانديناوی، این افسر و یا کلاه ویژه به چشم می‌خورد.

۵. بر فراز افسر شاه، سه گوی را نهاده بودند. تاکنون کسی به چیستی این گویها پی نبرده است. من گمان میکنم که اینها مروارید هستند؛ یکی از نمادهای آیین مهر که در نوشتارهای رمزآمیز عیسوی نیز یاد شده است. در سروده‌ای به زبان سریانی خطاب به عیسا، او را به مروارید همانند کرده و گفته است: بزرگ است شکوه تو؛ در آن تاجی که تو را نشانده‌اند، همانند نداری. مرواریدها بر روی گل نیلوفر جای دارند که این گیاه نیز از ارجمندترین نمادهای میترائیسم به شمار میرود. در تندیسکی از آلمان می‌بینیم که ایزد میترا از میان نیلوفر زاده میشود. در جشن مهرگان، موبدموبدان در خوانچه‌ای که نزد شاه میبرد، گل نیلوفر مینهاد. در «تاق بستان» نیز فرشته‌ای دارای دیهیم مروارید نشان بوده و فرشته دیگر، پیاله‌ای پر از مروارید دارد. [بنگرید به: جستار درباره مهر و ناهید/ م. مگدم]. نگاره‌ای از یک شاهین هخامنشی نیز سه مروارید (یکی روی سر و دو تای دیگر در چنگالها) را نشان میدهد. آیا این عقاب همان لقب کورش بزرگ در تورات، یعنی «شاهین شرق» می‌باشد؟

۶. چهار بالی که پیکر کورش را پوشانده، نشانه سروری بر چهار گوشه جهان می‌باشد و نیز سخن از آن دارد که خدایگان کورش هخامنشی به درجه ایزدان رسیده است. در تورات (کتاب اشعیا نبی) می‌خوانیم که خداوند کورش را مسح کرده و روح ایزدی در اوست. کورش پرتو و فروغی برای انسانهاست و خدا او را بسیار دوست دارد. کتسیاس آورده است که کورش بزرگ پیش از رسیدن به پادشاهی، خواب دید که سه بار در حال دست بردن به خورشید است. این خواب را برای او چنین تعبیر می‌کنند که سی سال فرمانروایی خواهد کرد. به برداشت درست «اشپیگل» Spiegel منظور از خورشید: فرّه شاهی است. یادآور می‌شود که نام کوروش به معنای خورشیدوش است و در زبانهای عبری و عربی به گونه‌های قورش و قریش درآمده است.

<آرامگاه کورش بزرگ> ۷. گزنفون در کورش نامه آورده: کورش بزرگ مقرر داشت که درباریان در انظار دیگران آب دهان نیندازند و یا بینی پاک نکنند و یا سر بر نگردانند و به چیزی خیره ننگرند و چنان رفتار سنگین و قرین وقار نمایند که گویی هیچ چیز توجه آنها را جلب نکرده است. اینها همه تمهیدات و وسیله برای تأمین يك منظور بود که در زیردستان نسبت به رؤسا نظر کینه و نفرت ایجاد نشود. افلاتون در رساله سوم قوانین نوشته است: در دوران پادشاهی کورش، ایرانیان هم خود آزاد بودند و هم توانسته بودند اقوام بسیاری را تحت فرمان خود در آورند. حکمرانان زیردست را تا اندازه ای آزاد گذاشته بودند و اصل برابری را رعایت می‌کردند. سربازان، فرماندهان خود را دوست داشتند و با رغبت و اشتیاق، به میدان جنگ می‌رفتند. اگر در میان آنان مردی روشن‌بین بود که می‌توانست پیشنهادی عاقلانه بدهد، پادشاه بر او حسد نمی‌برد و ابرو در هم نمی‌کشید؛ بلکه او را در سخن گفتن، آزاد می‌گذاشت و همه کسانی را که به او پندهای خردمندانه می‌دادند، محترم می‌داشت. این آزادی و دوستی و تبادل نظر سبب شده بود که کشور رشد کند و روز به روز آبادان شود.

برای آگاهی بیشتر بنگرید به کتابهای: * منم کورش شاه جهان / انتشارات آشیانه کتاب * پیامبر آریایی: مسیح پارس / انتشارات عطایی * پادشاهی در استوره و تاریخ ایران / انتشارات عطایی

این مقاله از آقای امید عطایی فرد می باشد

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «ناگفته‌هایی پیرامون کوروش بزرگ»، پارسیان دژ، ۱۳۹۲.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsiandej.ir/articles/1325/pdf/ناگفته-هایی-پیرامون-کوروش-بزرگ.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵